

شانزده آذر و "نان کار آزادی اداره شورایی"

رضا مقدم - ۱۲ آذر ۱۳۹۷

امسال جنبش دانشجویی در موقعیت سیاسی بسیار ویژه ای بسراغ شانزده آذر خواهد رفت. در دیماه ۹۶ در تجمع دانشجویان دانشگاه تهران "اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمام ماجرا" فریاد زده شد و بسرعت در سیاست ایران جای خود را باز کرد زیرا عصاره تجربه بیهودگی دست به دست شدن قدرت بین جناحهای بد و بدتر رژیم بود. هر دو جناح حکومت جار زده شدن پایان بازی بد و بدتر را بر نتابیدند و با دستگیری، شکنجه و زندانهای طولی مدت هزینه سنگینی به فرزندان کارگران در دانشگاه ها تحمیل کردند.

بسیج دانشجویی و تحکیم وحدت شاخه های دانشجویی جناحهای رژیم اسلامی هستند. بسیج دانشجویی که تشکل اصواگراهاست، ادامه ارگانهای سرکوب در دانشگاههاست. تحکیم وحدت هم نامیدانه دو بار دست به دامن خاتمی شدند تا اصلاحات و در نتیجه این دانشجویان را از کما بیرون آورد که بی نتیجه بود. تمام شدن ماجرای این دو جناح در دانشگاهها میدان وسیعی برای پیشروی سنجیده تمام جریانات غیر رژیمی را فراهم آورده و اکنون سؤال این است که کدام گرایشهای طبقاتی و سیاسی در آینده جنبش دانشجویی نقش مهمی خواهند یافت.

جنبش دانشجویی این ظرفیت را دارد که با طرح مجدد "اتحاد کارگر - دانشجو" در شانزده آذر آغازگر دوران جدیدی در جنبش دانشجویی گردد که رژیم اسلامی با سرکوب خونین جنبش دانشجویی در اردیبهشت ۱۳۵۹ با رهبری بنی صدر، آنرا برای نزدیک به چهار دهه قطع کرد. ۱۶ آذر امسال می تواند روز حمایت از کارگران فولاد و هفت تپه، روز اعتراض به دستگیری و شکنجه فعالین کارگری اسماعیل بخشی، علی نجاتی و سپیده قلیان و در عین حال روز اعتراض عمومی علیه شکنجه در زندانهای ایران و خواست آزادی همه زندانیان سیاسی و عقیدتی گردد.

برای اولین بار جنبش مستقل کارگری ایران با پیشتازی کارگران هفت تپه با خواست "نان کار آزادی اداره شورایی"، مشخصات نظام سیاسی مورد نظر جنبش کارگری را در مقابل نظام سلطنت و جمهوریهای متکی بر اقتصاد نئولیبرالی که خصوصی سازی در مرکز آنهاست، طرح کردند تا تضمینی باشد که دیگر حاصل مبارزات کارگران در کیسه دشمنانشان نریزد. طبعا مخالفان قدرت یابی کارگران طرح هدف شورانگیز، تاریخی و دراز مدت "نان کار آزادی اداره شورایی" که توسط کارگران هفت تپه بیان شد و بسرعت می رود تا جای خود را در سیاست ایران باز کند، نه تنها بعنوان یکی از معیارهای ارزیابی این مبارزات یک ماهه مد نظر قرار ندهند بلکه می کوشند مانع گسترش آن نیز بشوند.

جنبش مستقل کارگری ایران با اعتصابات عمومی در سال ۵۷ که در قرن بیستم بی نظیر بود، با پیشتازی کارگران صنعت نفت تا آنجا که به سهم خود در نظام آینده پس از سلطنت بر می گشت تنها خواهان حضور یک نماینده کارگر در شورای انقلاب بود که توسط خمینی طبعا نشنیده گرفته شد. جنبش مستقل کارگری ایران نگاهی به سهیم شدن در قدرت نداشت و حاصل همه مبارزاتش که کمر رژیم شاه را شکست، اکنون فقدان حق تشکل و اعتصاب، حداقل دستمزدهای یک ششم خط فقر، میلیونها کودک کار، میلیونها بیکار بدون بیمه بیکاری، اوضاع اسفناک بیمه و درمان و حقوقهای ناچیز بازنشستگی و شکنجه و زندان و اعدام فعالینش شده است.

آلترناتیو جنبش مستقل کارگری برای آینده ایران، "نان کار آزادی حکومت کارگری" است. حکومت کارگری، حکومتی ایدئولوژیک نیست. حزبی نیست، چه برسد به تک حزبی. پارلمانی نیست و بر ساختار شورایی استوار است. تا فراهم شدن تناسب قوایی که بتوان "نان کار آزادی حکومت کارگری" را نه فقط در نوشته ها بلکه در خیابانها و در تجمعات و تظاهرات کارگری هم فریاد زد، "نان کار آزادی" می تواند با پسوندی متفاوتی نظیر، اداره شورایی، پیروزی نهایی، محیط زیست سالم، تحصیل مجانی، آموزش رایجی، درمان مجانی، و یا مطالبات دیگر مطرح شود.

جنبش دانشجویی در ۱۶ آذر امسال این ظرفیت را دارد که در تکمیل "اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمام ماجرا" که آغاز مبارزه عمومی و توده ای علیه کلیت رژیم را بشارت داد، حرکت دانشجویان پردیس و هنر دانشگاه تهران را با "نان کار آزادی اداره شورایی" ادامه دهد و در کنار جنبش مستقل کارگری ایران بایستد. ۱۶ آذر امسال این ظرفیت را دارد که حامل پیامی برای مردم ایران باشد که جنبش دانشجویی در سازماندهی یک جنبش عظیم میلیونی در اتحاد با کارگران، معلمان، بازنشستگان، زنان و جنبشهای رفع ستم ملی حول "نان کار آزادی حکومت کارگری" در کنار جنبش مستقل کارگری ایران است.